



اقتصاد جهان به کجا می‌رود؟

بانک فدرال آمریکا، همانطور که انتظار می‌رفت، بهره راهبردی را در ایالات متحده تغییر نداد.

با این همه، نشست "کمیسون بازار آزاد" این بانک، هم نسبت به زیرساخت اقتصادی و هم نسبت به تورم ابراز نگرانی کرد.

بهره راهبردی در ایالات متحده آمریکا اکنون ۲ درصد است. سیاستگذاران بهره در بانک فدرال آمریکا، به سختی اجازه پیش‌بینی سیاست‌های آینده خود را می‌دهند. اقتصاد آمریکا به کجا می‌رود؟

کارشناسان، از ماه‌ها پیش، ما را برای برخورد با کندی رشد اقتصادی جهان آماده می‌کنند. آمریکا را رکود و اروپا را کاهش رشد اقتصادی تهدید می‌کند. در چین نیز، بعضا به

خواست سیاستمداران، دوران رشد دو رقیب اقتصادی رو به پایان می‌نهد. آنچه مسئولان بانک فدرال آمریکا درباره تازه‌ترین تصمیم خود پیرامون بهره راهبردی می‌توانند بگویند نیز، آرام‌بخش نیست: "وضعیت نا آرام بازار اعتبارات، یلزار فلج‌شده مستغلات و افزایش مستمر هزینه انرژی، بر بنیاد اقتصاد فشار می‌آورند".

بازارهای مالی، همچنان زیر فشار آشکار هستند. همچنین بازار کار ایالات متحده آمریکا نا آرام است. در ماه ژوئن امسال، درصد بیکاران به ۵ و هفت دهم درصد، یعنی بالاترین رقم از ماه مارس سال ۲۰۰۴ رسید. اما "آلان گرین اسپان" رئیس پیشین بانک فدرال، از این هم بدبین‌تر است. او در گفت‌وگویی با تایمز مالی، نسبت به یک بحران قرن هشدار می‌دهد و پیش‌بینی می‌کند که بانک‌های زیادی توانایی از سرگرداندن این بحران را نخواهند داشت.

می‌بینیم که دیدگاه‌های نومیدانه پیرامون زیر ساخت اقتصادی آمریکا کم نیست. و وقتی که زیرساخت بزرگترین اقتصاد ملی فلج شود، همانطور که می‌دانیم، بقیه جهان نیز به سرفه می‌افتد. حتی اشارات مثبتی که می‌گویند وضعیت اینقدرها هم خراب نخواهد شد، نزد محتاطان اعتبار ندارند. رشد اقتصادی ایالات متحده آمریکا، در سه ماهه دوم امسال، یک و نه دهم درصد بود. این نشانه رکود نیست. اما بدبین‌ها می‌گویند آمریکا این رشد را مدیون میلیاردها دلار تسهیلات مالیاتی است که بر بدهی دولت بوش افزود. مصرفی که به شکرانه این تسهیلات رونق گرفت، به زودی باد هوا خواهد شد و بعد مصرف‌کنندگان کاملا به اسارت بحران اعتبارات و مستغلات در خواهند آمد.

نشانه‌های متضاد

اکنون لیوان نیمه‌پر است یا نیمه‌خالی؟ در هر حال، صندوق جهانی پول، با توجه به تقاضای همچنان بالا در ایالات متحده آمریکا، پیش‌بینی رشد بزرگترین اقتصاد جهان را، برای امسال تصحیح کرد و از نیم درصد به یک و سه دهم درصد افزایش داد. با توجه به چنین پیش‌بینی‌هایی، سخن راندن از رکود، به مرز بی‌دقتی می‌رسد. آن هم در شرایطی که از سمت دیگری، تنفس آغاز می‌شود: بهای نفت خام، که از مدت‌ها پیش در سراسر جهان عامل تورم بود، از چندی پیش سیر نزولی می‌پیماید. این بانک‌های مرکزی جهان را دوباره امیدوار می‌کند که رشد قیمت‌ها، روندی گذرا بوده و ادامه نیابد. تصمیم بانک فدرال آمریکا در باره عدم تغییر نرخ بهره راهبردی، معنای دیگری نمی‌تواند داشته باشد. بانک مرکزی اروپا نیز، در نشست روز پنجشنبه خود، مانع از آن خواهد شد که با افزایش نرخ بهره کلیدی، نیروی رشد فلج شده را، به صورت مضاعف ترمز کند.

تردید نیست که هر تحرک اقتصادی‌ای زمانی متوقف می‌شود. در حال حاضر، دیدگاه‌های منفی با استقبال روبرو می‌شوند. اما با توجه به نشانه‌های متضاد بسیار، سخن گفتن از رکود، بی‌مسئولیتی است. کسی که دائما نسبت به بحران و رکود هشدار می‌دهد، مصرف‌کنندگان و تولیدکنندگان را نامطمئن می‌کند و در نهایت، خود زمینه ساز رکود می‌شود.

رکودی که همه از آن حرف می‌زنند و انتظار آن را می‌کشند، مثل پیش‌بینی بی است که در نفس خود تحقق می‌یابد: مصرف‌کنندگان صرفه‌جویی می‌کنند، شرکت‌ها

سرمایه‌گذاری‌های خود را عقب می‌اندازند، شاغلان اخراج می‌شوند و کالاها در قفسه‌ها باقی می‌مانند. اما کار نباید به اینجا برسد.

لودویگ ارهارد وزیر اقتصاد و صدراعظم سابق آلمان، زمانی گفت: "نصف اقتصاد روانشناسی است".

اگر این حرف درست باشد، پس روانشناسان حساس نباید بیماران خود را بیمارتر از آنچه که هستند نشان بدهند

رولف ونکل: همشهری انلابن